

خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی

یعقوب محمدی‌فر،* علیرضا خونانی**

چکیده^۱

پژوهش حاضر درصدد است مناسبات حکومت خاراسن در جنوب میان رودان را با پادشاهی اشکانی و امپراتوری روم بسنجد. خاراسن با اهمیت منحصر بفرد خود تاثیر زیادی در روابط این دو قدرت بزرگ و رقیب داشته است. شناخت بیشتر این روابط از لابلای کاوش‌های باستان‌شناسی این منطقه‌ی باستانی که اطلاعات بسیار محدود و اندکی راجع به آن وجود دارد امکان‌پذیر خواهد بود. یافته‌های پژوهش که مبتنی بر مطالعات سکه‌شناسی، باستان‌شناسی و منابع است مشخص می‌کند حاکمان این منطقه با ریشه‌ی بومی، و فرهنگ سامی قصد تسلط بر خلیج فارس و تجارت آن با سایر مناطق، استقلال عمل بیشتر در روابط با اشکانیان و ایجاد روابط گسترده‌تر با امپراتوری روم و هند داشته‌اند. واژه‌های کلیدی: اشکانیان، جنوب میان‌رودان، خاراسن و خاراکیس، تجارت.

* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا - همدان. (mohamadifar@Basu.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا - همدان. (Alireza.khounani@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۰۱ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۹/۰۵

۱. نگارندگان از تمامی کسانی که در راستای نگارش مقاله حاضر ایشان را یاری دادند، صمیمانه قدردانی می‌کنند. دسترسی به بسیاری از منابع اصلی در رابطه با تاریخ و باستان‌شناسی خاراسن با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو بود. از این جهت در اینجا جای دارد تا قدردانی خود را نسبت به آقایان ذیل تی. پاتس از دانشگاه نیویورک، لئوناردو گرگورانی از دانشگاه اودین ایتالیا، وادیم نیکیتین، مارک پاسل و جان هیل از کوک تاون استرالیا، بابت ارسال آثار و مقالات مرتبط با پژوهش حاضر ابراز کنیم.

ویژگی جغرافیای نواحی جنوبی میان‌رودان

اراضی پست جنوب میان‌رودان و کانال‌کشی‌های گسترده منجر به ایجاد نخستین شهرها و جوامع پیچیده در هزاره‌ی چهارم پ. م. در این منطقه شد.^۱ برای این سرزمین در منابع مختلف، از دو واژه «میشان» و «خاراسن» استفاده می‌شود که هر دو ریشه‌ی آرامی دارند. میشان عموماً دارای مفهوم جغرافیایی و خاراسن دارای مفهوم سیاسی است.^۲

آدامز ویژگی‌های کلی جنوب میان‌رودان را دمای بالای سالانه، رطوبت اندک و میزان ناکافی و پراکنده بارش سالانه عموماً در زمستان و بهار می‌داند،^۳ ولیکن خاک مناسب و گذر دو رود دائمی دجله و فرات از این نواحی، شرایط را برای احیای کشاورزی و به‌واسطه آن یکجانشینی و شکل‌گیری نخستین مراکز حکومتی فراهم آورد. خاک آبرفتی باعث شکل‌گیری پوشش متنوع گیاهی به‌ویژه گندم و جو و گونه‌های متعدد جانوری شده است.^۴ آب و هوای مرکز و جنوب میان‌رودان از نوع خشک و تقریباً استوایی بوده و با دمای ۵۰ درجه در تابستان و میانگین بارندگی کمتر از ۲۵ سانتی‌متر، تنها از طریق کانال‌کشی و آبیاری امکان کشاورزی در آن وجود دارد.^۵ این کانال‌های گسترده و تغییر مسیر رودخانه‌ها در طول تاریخ باعث ایجاد مشکلات فراوانی در شناسایی موقعیت شهرهای کهن جنوب میان‌رودان، به‌ویژه خاراکس اسپاسینو گشت.^۶

زبان، مذهب و ویژگی‌های فرهنگی

با ظهور اکدی‌ها در ۲۴۰۰ پ. م. تفاوت‌های آشکاری از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین شمال، مرکز و جنوب میان‌رودان بوجود آمد.^۷ سنت‌های شهرنشینی با وجود

1. Werner Nützel, "On the Geographical Position of as Yet Unexplored Early Mesopotamian Cultures: Contribution to the Theoretical Archaeology", *Journal of the American Oriental Society*, 99, 2, 1979, p. 288.

2. John Hansman, "Charax and the Karkheh", *Iranica Antiqua*, 7, 1967, p. 24.

3. Robert McC. Adams, (1981), *Heartland of Cities, Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*, Chicago: The University of Chicago Press, p. 11.

4. Cheryl Lee Coursey, "Shaping, Stewing, Serving and Brewing: Uruk Period Pottery Production and Consumption in Alluvial Mesopotamia", Advised by Susan Pollock, PhD Dissertation, Anthropology Department, State University of New York, 1997, p. 34-35.

۵. یوسف مجیدزاده، (۱۳۸۸)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۴.

6. "Charax and the Karkheh", p. 36-37.

7. Norman Yoffee, "Political Economy in Early Mesopotamian Sites", *Annual Review of Anthropology*, 24, 1995, p. 290.

تحولاتی که طی فتوحات متعدد، بحران‌های داخلی حاصل از زوال اقتصادی و جایگزینی عظیم زبانی و جمعیتی در طول تاریخ صورت گرفت، در جنوب میان‌رودان به قوت خود باقی ماند.^۱ تنوع فرهنگ‌ها و مذاهب در مسیر راه‌های ارتباطی جنوب میان‌رودان قابل توجه است. خاراسن در سرزمینی با چنین پیشینه‌ای شکل گرفت. براساس نوشته‌های استرابو و پلینی، اسکندر هنگام تأسیس پایتخت فرمانداری خاراسن یعنی اسکندریه (خاراکس اسپاسینوی بعدی)، برای تأمین جمعیت آن، گروهی از سربازان مقدونی را در حدود یک‌چهارم از محدوده‌ی شهر مستقر ساخت و آن بخش را به نام شهر زادگاه خود یعنی «پلا» (Pella) نام‌گذاری کرد.^۲ او ساکنان سامی شهری به نام «دورین» را نیز به خاراکس منتقل کرد.

عناصر یونانی نیز در منطقه فراوان بودند. به نظر می‌رسد که شهر اسکندریه، که بعدها خاراکس نام گرفت، به سبک پُلِیس‌های یونانی تأسیس شد. در میان مشهورترین شهروندان خاراسن می‌توان از دو جغرافیادان به نام‌های دیونسیوس خاراکسی که کمی قبل از پلینی می‌زیست و ایزودور خاراکسی که اثر معروف «ایستگاه‌های یارتی»^۳ از او برجای مانده است، یاد کرد. این دو در سده‌ی اول میلادی آثار خود را به زبان یونانی نگاشته‌اند که گویای نفوذ قابل توجه هلنیسم در زادگاهشان است. با وجود این، نوشته‌های ایزودور مشخص می‌کند که زبان اصلی او آرامی بوده است.^۴ به نظر می‌رسد که دلیل اصلی استفاده‌ی طبقه حاکمه و نویسندگان خاراسن از زبان یونانی، ماهیت تجاری و بین‌المللی این پادشاهی باشد. بازرگانان از سرتاسر جهان آن روز از هند گرفته تا عربستان و روم به این منطقه آمده و سکه‌های شاهان خاراسن تا نواحی دور دست در فارس،^۵ و امارات امروزی^۶ دارای اعتبار بوده است.

1. *Heartland of Cities, Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*, p. 2.

2. "Charax and the Karkheh", p. 22.

3. Isodore of Charax, *Parthian Stations*, The Greek text with a translation and commentary by Wilfred H. Schoff, (1914), Philadelphia: Commercial Museum.

4. Sheldon A. Nodelman, "A Preliminary History of Charakene", *Berytus*, 13, 1959/60, p. 108.

5. Dietrich Huff, "Firuzabad, Qal'a-ye Dukhtar", *Iran*, 16, 1978, p. 191.

6. Daniel T. Potts, (2001), "Before the Emirates: an Archaeological and Historical account of Developments in the Region c. 5000 BC to 676 AD.", in: *United Arab Emirates: A New Perspective*, I. Al Abed and P. Hellyer, London: Trident Press, p. 55.

با مطالعه نام شاهان خاراسن، می‌توان به ریشه ایرانی نام بنیان‌گذار این سلسله، یعنی هیسپائوسین، دست یافت،^۱ اما شاهان بعدی یعنی آتامبلوس، آبینرگلوس، آدینرگلوس با نام‌هایی سامی ظاهر می‌شوند.^۲ نام اکثر ایشان از خدایان سامی بعل و نرگال اخذ شده که به عقیده‌ی برخی از محققین خدایان خاندان سلطنتی این منطقه به شمار می‌آمدند.^۳

برای آگاهی از عقاید مذهبی حاکمان و جامعه خاراسن، هیچ منبع مستقیمی در دست نیست. در این زمینه، تنها می‌توان به شمایل موجود بر روی سکه‌های باقی مانده، اطلاعات موجود در کتیبه‌های پالمیر و بیش از هر چیز به آثار نویسندگان یونان و روم رجوع کرد. ویژگی اصلی معیشت مردمان خاراسن علاوه بر کشاورزی، بازرگانی گسترده بوده و یکی از شهرهایی که هم از نظر بافت قومیتی و هم معیشتی شباهت زیادی با آن دارد، پالمیر است. پالمیر ارتباط تجاری با شاهنشاهی اشکانی و میان‌رودان داشت و بدین جهت برای آگاهی از ویژگی‌های مذهبی خاراسن، بررسی تطابقی با پالمیر ضروری است. اهمیت تجارت در پالمیر به اندازه‌ای بود که تقریباً تمامی خدایان این شهر، مسئول حفاظت از کاروان‌های تجاری بودند. با تکیه بر این نکته که در خاراسن نیز تجارت به همین اندازه امری حیاتی محسوب می‌شد و همین‌طور روابط این حکومت با پالمیر بسیار نزدیک بود، می‌توان از وجود خدایانی مشابه در این منطقه مطمئن بود. همچنین مقبره‌ای از مقامات پالمیری در جزیره‌ی خارک شناسایی شده^۴ که نه تنها گویای حضور تجاری و سیاسی آنهاست، بلکه نشانگر نفوذ مذهبی این اقوام در عمیق‌ترین نقاط خلیج فارس است.

برخی سنن یونانی به ویژه در سکه‌های خاراسن، قابل مشاهده است. تقریباً بر پشت تمام سکه‌های شاهان خاراسن تصویر هراکلس (هرکول) مشاهده می‌شود،^۵ اما به نظر می‌رسد که در اینجا همچون نواحی دیگر، از این خدا به عنوان ظاهر یونانی نرگال خدای بابلی و یا بهرام ایزد ایرانی استفاده شده است.^۶

1. A. R. Bellinger, "Hyspaosines of Charax", Yale Classical Studies, 8, 1942, p. 54.
2. M. L. Chaumont, "Etudes d'histoire Parthe V. La route royale des Parthes de Zeugma à Séleucie du Tigre d'après l'itinéraire d'Isidore de Charax", Syria, 61, 1-2, 1984, p.69.
3. "A Preliminary History of Charakene", p.113
4. Roman Ghirshman, "L'île de Kharg dans le Golfe Persique", Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres, 3, 1958, p.267.
5. Ernie Haerincx, "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)", Iranica Antiqua, 32, 1998, p.284.
6. Georges Le Rider, "Monnaies de Characène", Syria, 36, 3-4, 1959a, p.243.

منابع سکه‌شناسی

مهم‌ترین منبع برای مطالعه خاراسن، سکه‌هاست. با آن‌که منابع یونانی و لاتین اشاره‌هایی به خاراکس و خاراسن داشتند؛ این حکومت تا آغاز قرن نوزدهم ناشناخته باقی ماند. در طول قرن هجدهم، سکه‌های متنوعی در مجموعه‌های اروپایی وجود داشت که به اشتباه به اشکانیان، ارمنی‌ها و یا باختری‌ها نسبت داده می‌شد، اما در ۱۸۱۱ میلادی، ویسکونتی موفق شد به درستی این سکه‌ها را به شاهان خاراسن نسبت دهد^۱ که در واقع، شروع مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی خاراسن بود. پس از وی، هیل، باپلون و وادینگ مطالعات سکه‌شناسی را توسعه دادند.^۲

ضرب سکه با روی کار آمدن هیسپائوسین و تأسیس خاراکس اسپاسینو در ۱۲۵ پ.م. آغاز شد.^۳ سبک‌شناسی این سکه‌ها با تکیه بر نمونه‌های مکشوفه از نواحی مختلف به جزء خاراکس - پایتخت این حکومت - صورت گرفته است. موقعیت این شهر تا ۱۹۶۵ م. ناشناخته بود و با وجود کشف، هیچ‌گاه مورد کاوش قرار نگرفت.^۴ سکه‌های خاراسن در گستره‌ی وسیعی از خاورمیانه بدست آمده است. در این میان، گنجینه‌های بصره، شوش و محوطه تلّو در میان‌رودان بیشترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند.^۵ همچنین سکه‌هایی که از این شاهان در فیروزآباد فارس،^۶ فیلکه،^۷ دورا - اوروپوس،^۸ محوطه‌های شناسایی شده در امارات^۹ و... بدست آمده، با وجود پراکندگی، اعتبار و نفوذ اقتصادی و سیاسی خاراسن را در منطقه نشان می‌دهند. سکه‌های تاریخ‌دار شاهان خاراسن که عموماً چهار درهمی‌ها هستند، تاریخ سلوکی دارند و از حروف یونانی و مونوگرام‌های آرامی در آنها

1. Daniel T. Potts, (1988), "Arabia and the Kingdom of Characene", In: *Araby the Blest: Studies in Arabian Archaeology*, Daniel. T. Potts, University of Copenhagen: Museum Tusculanum Press, p.138.

2. Edward T. Newell, "Mithradates of Parthia and Hyspaosines of Characene: A Numismatic Palimpsest", *Numismatic Notes and Monographs*, 26, 1925, p.11.

3. "Mithradates of Parthia and Hyspaosines of Characene: A Numismatic Palimpsest", p.14.

4. "Charax and the Karkheh", p.38.

5. Georges Le Rider, "Monnaies grecques acquises par le Cabinet des Médailles en 1959", *Revue numismatique*, 2, 6, 1959b, "Monnaies de Characène", "Hyspaosines of Charax".

6. "Firuzabad, Qal'a-ye Dukhtar".

7. "Arabia and the Kingdom of Characene".

8. "Hyspaosines of Charax".

9. "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)".

استفاده شده است.^۱ تاکنون سکه‌هایی از جنس نقره، برنز، مس، قلع و همچنین سکه‌های چهاردرهمی از شاهان این منطقه به دست آمده است. سکه‌های خاراسن از نظر سبک‌شناختی در سه گروه اصلی، تقسیم بندی می‌شوند: ۱. سبک دوره آغازین (۱۲۵-۱۰۵ پ.م). ۲. سبک بومی (۷۹ پ.م. - ۱۳۱ م). ۳. سبک شبه - خاراسنی (۱۳۱-۱۵۱ م).

سبک دوره‌ی آغازین در سکه‌های نخستین شاهان خاراسن یعنی هیسپائوسین و آپوداکوس در ظاهر کاملاً سلوکی آنهاست. بر روی چهار درهمی‌های هیسپائوسین تصویر شاه در حالی که به سمت راست می‌نگرد نقش بسته که با صورت تراشیده، موهای کوتاه و با سربندی که بر پیشانی بسته، آشکارا تحت تأثیر سکه‌های شاهان سلوکی است (تصویر ۱). بر پشت سکه، تصویر برهنه‌ی هراکلس دیده می‌شود که بر روی یک صندلی کرسی مانند نشسته و گرز را بر بالای زانوی راست خود نگه داشته است. در دو سمت تصویر هراکلس عبارت یونانی ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΥΣΠΑΟΣΙΝΟΥ (شاه هیسپائوسین) نگاشته شده است.^۲

با روی کار آمدن تیرائوس دوم در ۷۹ پ.م. و تثبیت موقعیت حکومت، سبک بومی سکه‌های خاراسن ظاهر شد و از زمان آتامبولوس اول به بعد به شکوفایی کامل رسید. سیاست‌های شاهان اشکانی که حذف تدریجی عناصر فرهنگی یونانی و جایگزین کردن سنت‌های ایرانی و ملی بود، بر حکومت‌های نیمه مستقلی چون خاراسن نیز تأثیر داشت.^۳ همچنین می‌توان برخی مشخصه‌های آشکارا سامی را در این سکه‌ها دید.^۴ سبک قرارگیری حروف در سکه‌های این گروه، گویای ساده‌تر شدن نگارش کتیبه‌ها نسبت به سکه‌های پیشین است.^۵ بر روی سکه، نیم‌رخ شاه رو به راست با چهره‌ای کاملاً شرقی، ریش و

۱. همان، ص ۲۸۱.

۲. "Hyspaosines of Charax", p.56.

۳. Edward Dąbrowa, (2010), "The Parthian Kingship, in Concepts of Kingship in Antiquity", in: Proceedings of the European Science Foundation Exploratory Workshop held in Padova, Giovanni B. Lanfranchi & Robert Rollinger, Padova: S.A.R.G.O.N. Editrice e Libreria, p.132.

۴. دیوید سلوود، (۱۳۹۰)، «حکومت‌های کوچک در جنوب ایران»، در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، قسمت ۲،

احسان یارشاطر، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، ص ۲۰۶.

5. George Francis Hill, "Attambelos I of Characene", Numismatic Notes and Monographs, 14, 1922b, p.3.

موهای بلند و موّاج و سربندی بلند دیده می‌شود (تصویر ۲). تصویر پشت سکه نسبت به قبل، تغییری نکرده، تنها نقش هراکلس کمی زمخت‌تر شده است. خط و زبان یونانی و تقویم سلوکی همچنان در سکه‌های سبک بومی استفاده می‌شود.

در ۱۳۱، مهرداد فرزند پاکور دوم با دخالت دربار اشکانی، حکومت خاراسن را در دست گرفت و نخستین تحول، تغییری اساسی در سبک سکه‌های خاراسن بود. برخی ویژگی‌های اصلی سکه‌های اشکانی در سکه‌های مهرداد دیده می‌شود، برای نمونه بر روی چهاردرهمی‌های برنزی او نیم‌تنه شاه با تاج اشکانی رو به راست نقش بسته است (تصویر ۳). بر پشت سکه نیز نقش یک زن با تاجی بر سر، وجود دارد. همچنین متن این سکه نیز با سکه‌های شاهان قبلی تفاوت زیادی دارد. پناجیتی با تکیه بر داده‌های جدید، آنرا این‌گونه می‌خواند: مهرداد، فرزند پاکور، شاه شاهان، شاه عمانی‌ها.^۱ تمام این ویژگی‌ها باعث شده که عده‌ای سکه‌های این شاه و مگا را «شبه خاراسنی» بنامند.^۲ همچنین از این زمان، خط یونانی به صورت پراکنده در سکه‌ها استفاده شد و نوعی خط آرامی محلی که البته ناخواناست، جایگزین آن شد.^۳ برخی سکه‌های متعلق به این شاهان دارای چنان ظرافتی هستند (تصویر ۴) که حتی در میان زیباترین سکه‌های متعلق به عصر هلنی طبقه‌بندی می‌شوند.^۴

مطالعات باستان‌شناسی

تنها فعالیت باستان‌شناسی در این رابطه، به مطالعات و بررسی‌های پیمایشی جان هانسمن در جنوب عراق در ۱۹۶۵، محدود می‌شود.^۵ دو محوطه منسوب به خاراکس و فرات، با وجود کشف، هیچگاه کاوش نشدند و بیشتر اطلاعات مربوط به خاراسن، از سکه‌های کشف شده از نواحی دیگر و منابع نوشتاری بدست آمده است. بررسی‌هایی که در ۱۹۶۵،

1. "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)", p.152.

2. A Catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia, p. cciii, "A Preliminary History of Charakene", p.113.

۳. «حکومت‌های کوچک در جنوب ایران»، ص ۲۰۹.

4. "Monnaies de Characène", p.248.

5. "Charax and the Karkheh".

برای شناسایی خاراکس اسپاسینو و فرات صورت گرفت، نتایج مهم و قابل توجهی به دنبال داشت. هانسمن با بررسی عکس‌های هوایی منطقه، متوجه شد کانالی در جنوب کرخه وجود داشته که آب آن را به سمت کانال متروک دیگری از دجله منتقل می‌کرده است. این کانال در فاصله ۱/۶ تا ۲/۵ کیلومتری شرق و موازی با بستر امروزی دجله جریان داشته است. او با دقت در عکس‌های هوایی متوجه ساختاری دوزنقه‌ای در محل تلاقی این دو کانال عظیم شد.^۱ بعدها مشخص شد که این ساختار، بقایای باقی مانده از مجموعه‌ی دیوار عظیمی از آجر پخته متعلق به یک دژ است. این محوطه که به «جبل خبیر» معروف است، در جنوب عراق و در ۵۰ کیلومتری شمال غرب شهر امروزی بصره واقع شده است، اما مردم بومی منطقه آن را «نیسان» می‌نامند که ممکن است شکل تغییر یافته میشان باشد (نقشه ۱). قسمت شمالی و شرقی این استحکامات تقریباً سالم مانده، اما در جهت غرب و جنوب، سیل به شدت آن را تخریب کرده است. حدود ۵ متر از ارتفاع بخش‌هایی از این دیوار باقی مانده است و در قسمت‌هایی از آن، چندین لایه آجر قرار گرفته بر روی یکدیگر، دیده می‌شود که بیانگر استفاده از این محوطه در ادوار متوالی است (تصویر ۵). همچنین نقشه‌ی بقایای این استحکامات، گویای شالوده و سبک هلنی آن است. پلینی اشاره می‌کند که عرض شهر خاراکس حدود ۲/۹۶ کیلومتر است که با بقایای استحکامات این محوطه مطابقت دارد. به دلیل سیلاب‌های رسوبی فراوانی که سطح محوطه را پوشانده، بقایای سفالی اندکی در آن شناسایی شده که اکثر آنها نیز به سده‌های اخیر تعلق دارند. با این حال دلایل متعددی برای منسوب کردن این محوطه به پایتخت کهن خاراسن وجود دارد که البته برای اطمینان کامل از آن می‌بایست کاوش گسترده‌ای در آن صورت گیرد.^۲ پیش از شناسایی این محوطه، عموماً اطراف خرمشهر و منطقه محمدراد و یا شهر القُرنه در جنوب بصره برای خاراکس اسپاسینو پیشنهاد می‌شد.^۳ هانسمن پس از پیشنهاد موقعیت شهر خاراکس، توانست محوطه «مغلوب» را در بین دو شهر بصره و القُرنه و در ۴/۲ کیلومتری شرق اروندرود شناسایی کند که محلی مناسب برای پایتخت دوم

1. John Hansman, "The Land of Meshan", Iran, 22, 1984, p.162.

2. "Charax and the Karkheh", p. 37-39 & 41-43.

3. F. J. Matthews, "The Tax Law of Palmyra: Evidence for Economic History in a City of the Roman East", The Journal of Roman Studies, 74, 1984, p.165.

خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی ۱۲۱

شاهان خاراسن یعنی فرات است. طبق گفته پلینی، این شهر در ۱۷/۴ کیلومتری جنوب خاراکس اسپاسینو و در کنار کارون امروزی قرار دارد و اگر محوطه نیسان را به عنوان خاراکس بپذیریم، محوطه‌ی مغلوب دقیقاً همان مسافت ذکر شده توسط پلینی را با نیسان داشته و همچنین در نزدیکی رود کارون قرار دارد.^۱

تاریخچه خاراسن و نقش تجاری آن در خاور نزدیک

دلیل تأسیس خاراکس اسپاسینو، موقعیت منحصر به فرد آن بود. اسکندر مقدونی بلافاصله پس از بازگشت از هند در آوریل یا می ۳۲۴ پ. م. دستور ساخت شهری در جنوب میان‌رودان و در محل تلاقی رودخانه‌های دجله و اولائوس (شاخه‌ای از کرخه) را داد و آن را «اسکندریه» نامید.^۲ پس از اسکندر، کشمکش‌های میان جانشینانش منجر به جنگ داخلی شد. این شرایط تا زمان آنتیوخوس چهارم (۱۷۵-۱۶۴ پ. م.) ادامه پیدا کرد. او شخصی به نام هیسپائوسین (۱۲۵-۱۲۱ پ. م.) با نژاد یونانی - بلخی بود در ۱۶۰ پ. م. به حکومت میشان گمارد. در اوایل حکومت هیسپائوسین، احتمالاً دیوار شهر دوباره به وسیله سیل تخریب شد و او این بار تدابیری اساسی برای شهر خود اندیشید. او دیواری ضخیم از آجر با طول سه کیلومتر به دور شهر خود کشید که باعث حفاظت آن در برابر سیل برای مدت طولانی شد. عظمت این استحکامات بقدری بود که از آن در منابع گوناگون با عنوان «خاراکس اسپاسینو» (دژ هیسپائوسین) یاد می‌شد.^۳

با روی کار آمدن مهرداد اول اشکانی (۱۷۱-۱۳۸ پ. م.) بود که اشکانیان به معنی واقعی به فکر تحکیم سلطه خود بر تمامی خاک ایران در برابر سلوکیان افتاده و در این زمینه، موفق بودند. مهرداد در ۱۴۰ پ. م. موفق به فتح بابل، شکست دیمتریوس دوم و یک یاغی به نام تریفون و تأسیس تیسفون شد و پس از آن به الیمایی و پارس نیز لشکر کشید.^۴ او بدون شک تصمیم داشته تا به خاراسن نیز حمله کند، اما مشکلاتی که در شرق پیش آمد، او را مجبور به عقب‌نشینی به هیرکانیه کرد. با تکیه متون نجومی بابلی بین ۱۴۴ تا ۱۳۳ پ. م. مشخص می‌شود که ارتش کامناسکیر دوم، نیکه فوروس، و هیسپائوسین در

1. "The Land of Meshan", p.164.

2. "A Preliminary History of Charakene", p. 84.

3. "Charax and the Karkheh", p.23-24.

4. Malcom A. R. Colledge, (1977), *Parthian Art*, New York: Ithaca, p.10.

بابل احتمالاً علیه اشکانیان با یکدیگر متحد شدند که البته این اتحاد با شکست مواجه شد.^۱ در ۱۲۵ پ. م. یعنی چند سال پس از کشته شدن آنتیوخوس هفتم (۱۳۹/۸-۱۲۹ پ. م.) در نبرد با سپاه اشکانی، شرایط برای هیسپائوسین برای اعلام استقلال و ضرب سکه فراهم شد. از این سال است که در متون نجومی بابل از او با عنوان «شاه» (šarru) یاد می‌شود.^۲

در ۶-۱۲۷ پ. م. فرهاد دوم شخصی به نام هیروس را به عنوان فرماندار بابل و سلوکیه دجله انتخاب کرد. هیروس با خشونت بسیار در بابل و سلوکیه رفتار می‌کرد.^۳ هیسپائوسین از این وضعیت استفاده کرده و شکست سختی بر هیروس وارد ساخت و توانست با زیرکی در منطقه به محبوبیت رسد. به نظر می‌رسد او موفقیت در بابل را به کمک شاهان الیمایی به دست آورده باشد.^۴ ممکن است که او برای مدت کوتاهی توانسته باشد بر تمامی میان‌رودان تسلط یافته باشد.^۵ مهرداد دوم (۱۲۳/۱۲۲-۸۸/۸۷ پ. م.)، خاراکس را در ۱۲۱ پ. م. تصرف کرد. با فتح خاراکس در دهانه دجله، آخرین منطقه زیر نفوذ سلوکیان در میان‌رودان، به دست اشکانیان افتاد و قدرت سلوکی تنها محدود به سوریه شد.^۶ سرکوب هیسپائوسین در میان‌رودان و خاراکس اسپاسینو به خوبی از سکه‌های متعددی از او که مهرداد نام خود را بر روی آنها ضرب کرده، مشخص می‌شود.^۷

در سده اول پ. م. بازرگانان سوری پالمیر راهی برای عبور از صحرای سوریه پیدا کرده و موفق شدند با جنوب میان‌رودان ارتباط برقرار کنند. ساکنان پالمیر بیش از هر چیز، خواستار همکاری با خاراسن بودند، چرا که به مدت طولانی مروارید و کالاهای نفیس دیگر از دورترین نواحی همچون هند، چین و عربستان در خلیج فارس مبادله می‌شد و از طریق میان‌رودان به غرب می‌رسید.^۸ بر اساس رهنامه دریای اریتره، گندم از عربستان،

1. Daniel T. Potts, "Five episodes in the history of Elymais, 145-124 B.C.: New data from the astronomical diaries", *Cahiers de Studia Iranica*, 25, 2002, p.358.

2. "Arabia and the Kingdom of Characene", p.137.

3. Warwick William Wroth, (1903), *Catalogue of the Coins of Parthia*, London: Longmans, Green & Co, p. xxi.

4. "Hyspaosines of Charax", p. 60.

5. "A Preliminary History of Charakene", p. 88.

6. D. D. Leslie and K. H. J. Gardiner, "Chinese Knowledge of Western Asia during the Han", *T'oung Pao*, 68, 2, 1982, p.292.

7. "Mithradates of Parthia and Hyspaosines of Characene: A Numismatic Palimpsest", p.12.

8. Henri Seyrig, "Palmyra and the East", *The Journal of Roman Studies*, 40, 1 & 2, 1950, p.1-2.

خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی ۱۲۳

انواع شراب از روم و آسیا و همین‌طور لباس، انواع پلاک و تمامی اشیائی که در متون استروکای مصری اشاره شده، از این مسیر راهی دره سند و هند می‌شد.^۱

پس از تیرایوس دوم، شخصی به نام آرتابازوس در ۴۹ پ. م. به پادشاهی رسید. سکه‌های آرتابازوس دوباره سبکی یونانی پیدا می‌کند و شمایل و مضمون آن هلنی می‌شود. عبارات بر پشت سکه‌ی او تحت تأثیر سکه‌های اشکانی، کاملاً دور نقش قرار می‌گیرد و او از لفظ «دوستدار یونان» استفاده می‌کند.^۲ همچنین او از عنوان نظامی «حاکم مطلق» استفاده کرده که نشان می‌دهد با فشار و نزاع، حکومت خاراسن را در دست گرفته است. این احتمال وجود دارد که شاهان اشکانی پس از مشاهده سودی که از تجارت نصیب خاراسن می‌شد، از آرتابازوس حمایت نظامی کردند. مدت حکومت آرتابازوس تنها دو سال به طول انجامید و با روی کار آمدن آتامبولوس اول (۴۷-۲۴ پ. م.) در ۴۷ پ. م. قدرت دوباره در دست خاندان مشروع قرار گرفت. در اوایل سده اول میلادی بندری به نام «هومانو» - احتمالاً محوطه الدور در امارات - در جنوب خلیج فارس تأسیس شد که تنها ایستگاه بین هند و خاراسن در تنگه هرمز بود. سکه‌های متعددی که از شاهان خاراسن در الدور بدست آمده، نشانگر نفوذ سیاسی ایشان در منطقه نیز می‌باشد.^۳ همچنین اثر یک مهر انگشتری منحصر به فرد (تصویر ۶) متعلق به یکی از این شاهان در جزیره خارک بدست آمده که نشانه‌هایی مشابه سکه‌های بومی الدور بر آن وجود دارد که مدرک دیگری بر کنترل فرمانروایان خاراسن بر این بندر است.^۴

در ۱۱۶ م. تراژان امپراتور روم، حملات متعددی به مرزهای ایران صورت داد و موفق شد برای مدتی کوتاه تمامی میان‌رودان را زیر سلطه خود در آورد. آتامبولوس هفتم، پادشاه وقت خاراسن، از تراژان در مرزهای خود استقبال کرد و رسماً تبعیت خود را نسبت به او ابراز داشت،^۵ ظاهراً پس از عقب‌نشینی تراژان، خسرو شاه اشکانی تصمیم می‌گیرد تا

1. Jacques Schwartz, "L'empire romain, l'Égypte et le commerce oriental", *Annales, économies, Sociétés, Civilisations*, 15e année, 1, 1960, p.29.

2. John Hansman, (1991), "Characene and Charax", *Encyclopaedia Iranica*, V, New York: Bibliotheca Persica Press, p.364.

3. "Before the Emirates: an Archaeological and Historical account of Developments in the Region c. 5000 BC to 676 AD.", p.55.

4. "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)", p.296.

5. "Characene and Charax", p.364.

خاراسن را زیر سلطه خود درآورد. از این تاریخ به بعد، دیگر نامی از آتامبولوس به میان نمی‌آید و وقفه‌ای در فهرست شاهان خاراسن تا ۱۳۱ م. اتفاق می‌افتد. در تعدادی از کتیبه‌های تجاری پالمیر، از شخصی به نام مهرداد به عنوان شاه خاراکس اسپاسینو یاد می‌شود.^۱ این مهرداد، در اصل فرزند پاکور دوم و برادرزاده شاه اشکانی بوده، که خسرو برای نظارت مستقیم خود بر اوضاع خاراسن، او را بر تخت سلطنت خاراسن نشانده.^۲ تمام ویژگی‌های سکه‌های مهرداد آشکارا گویای تعلق او به خاندان اشکانی و همچنین تسلط او بر خاراسن با فشار نظامی است. به نظر می‌رسد که قلمرو او علاوه بر خاراکس، آب‌های خلیج فارس و تعدادی از جزایر آن، تمامی منطقه میشان بین دجله و شط‌الحئی به همراه محوطه تلو (Tello) و شهر آپامه (شهری در جنوب کوت الاماره) را شامل می‌شده است.^۳ مهرداد، پایتخت پادشاهی را از خاراکس اسپاسینو به شهری به نام «فرات» منتقل کرد. همچنین علاوه بر کاهش اهمیت سیاسی خاراکس، او شهر آپولوگوس را به عنوان مرکز تجاری اصلی انتخاب می‌کند.^۴ ممکن است پس از مدتی سلطنت در خاراسن، مهرداد تصمیم بر ایجاد حکومتی مستقل گرفته باشد، و با رها کردن مراکز کهن قبلی، به دنبال تشکیل گروه‌های قومی دیگری برای حمایت از خود در مراکز جدید بر می‌آید،^۵ اما تلاش‌های مهرداد برای کسب استقلال بی‌سرانجام ماند. بلاش چهارم در ۱۵۱ م. به خاراسن حمله کرده، حکومت مهرداد را ساقط ساخت و این مجسمه را از آنجا به سلوکیه منتقل کرد.^۶ از این زمان به بعد، به‌درستی از تقدم و تأخر شاهان این منطقه اطلاعی نیست. بر اساس سکه‌ها پس از ۱۵۱ م. سه شاه با فاصله کمی از یکدیگر به پادشاهی رسیدند که آخرین‌شان از متن آرامی سکه خود با نام «مگا» شناخته می‌شود.^۷

اردشیر بابکان از ۲۰۸ م. در ایالت مستقل پارس دست به شورش زد و از این زمان موفق به فتوحات گسترده‌ای در نواحی مختلف شاهنشاهی اشکانی شد. نودلمن معتقد است

1. "Arabia and the Kingdom of Characene", p.143.

2. *Catalogue of the Coins of Parthia*, p. lix.

3. M. Gawlikowski, "Palmyra as a Trading Centre", Iraq, 56, 1994, p.29.

4. "Charax and the Karkheh", p.25.

5. "Characene and Charax", p.364.

6. Paul Bernard, "Vicissitudes au gré de l'histoire d'une statue en bronze d'Héraclès entre Séleucie du Tigre et la Mésène", Journal des savants, 3-4, 1990, p.25.

7. "Countermarked Characene tetradrachms of Attambelos IV", p.111.

خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی ۱۲۵

که اردشیر در ۲۲۲ م. خاراکس اسپاسینو را فتح کرده و آخرین پادشاه خاراسن یعنی آبینرگاوس سوم را به قتل رساند و بدین ترتیب پس از حدود ۳۰۰ سال، پادشاهی نیمه مستقل خاراسن را از میان برد.

فهرست شاهان خاراسن از دابینز با اعمال برخی تغییرات.^۱

نام شاه	آغاز و پایان سلطنت
هیسپانوسین	۱۲۵-۱۲۱ پ.م.
آپوداکوس	۱۱۰-۱۰۵
تیرایوس اول	۹۱-۸۹
تیرایوس دوم	۷۹-۴۸
آرتابازوس	۸/۴۹
آتامبلوس اول	۴۷-۲۵
تئونسیوس اول	۲۵-۱۸
آتامبلوس دوم	۱۸ پ.م.-۸ م.
آبینرگاوس اول	۹-۲۲
آتامبلوس سوم	۲۸-۴۴
تئونسیوس دوم	۴۵-۵۲
آتامبلوس چهارم	۵۳-۶۴
آتامبلوس پنجم	۳/۷۲
آتامبلوس ششم	۱۰۳-۱۰۵
تئونسیوس سوم	۱۱۰-۱۱۲
آتامبلوس هفتم	۱۷/۱۱۶
مهرداد	۱۳۱-۱۵۱
آرابزس	۱۵۱
آبینرگاوس دوم	پس از ۱۵۱
ماگا	پس از ۱۵۰
شاهان ناشناس	پس از ۱۵۱

1. "Countermarked Characene tetradrachms of Attambelos IV", p.110-111.

نتیجه

اشکانیان نه تنها از نظر فرهنگی و مذهبی، بلکه از وجوه مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، هنری و فناورانه میراثی عظیم را به ادوار بعدی منتقل کردند. ایشان با روحیه تسامح طلبی، امکان رشد و نمو را برای انواع فرهنگ‌های منطقه‌ای در سرتاسر قلمرو خود فراهم آورده و بدین طریق نقش مهمی در احیای سنت‌های کهن شرقی داشته‌اند. در این شرایط، پادشاهی‌های متعددی از جمله خاراسن ظهور کردند و با وجود کاهش قدرت مرکزی، باعث شکل‌گیری و احیای گروه‌های فرهنگی متعددی با ویژگی‌های خاص محلی شدند که کمتر در دوره‌های قبل و بعد مشاهده شد. پادشاهی خاراسن با تکیه بر استقلال و نفوذی که در منطقه داشت، توانست بیش از پیش بر راه‌های تجاری آسیای جنوب غربی به‌ویژه بنادر متعدد موجود در خلیج فارس و میان‌رودان تسلط پیدا کند. بازرگانان خاراسنی توانستند باعث گسترش ارتباطات تجاری و فرهنگی از شرق تا هند و چین و از غرب تا روم گشته و بدین سبب در تبادلات اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی را بازی کنند. همچنین می‌توان ایشان را در اصل وارث تمدن‌های از یاد رفته و کهن جنوب میان‌رودان دانست که در طول ۳۰۰ سال، نقش مهمی در رونق و آبادی استقرارهای متروک شده این منطقه داشته‌اند. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های حکومت و جامعه خاراسن روحیه بلندپروازی و استقلال‌طلبی ایشان است. شاهان این منطقه می‌بایست برای حفظ حیات خود، سیاست‌های بسیار زیرکانه‌ای اتخاذ می‌کردند، چرا که دولت اشکانی با وجود ساختار غیرمتمرکز خود نمی‌توانست از ثروتی که نصیب این حکومت محلی می‌شد، چشم پوشی کند. از این جهت، همیشه در صدد گسترش نفوذ خود در این منطقه بود. شاهان خاراسن با وجود وفاداری به دربار اشکانی در زمان ضعف این حکومت به‌ویژه هنگام نبرد با روم، به دنبال تثبیت جایگاه خود بر می‌آمدند و در تمام طول حیات خود در کشمکش‌های شدید با حکومت مرکزی بودند.

خاراسن و جایگاه سیاسی و تجاری آن در شاهنشاهی اشکانی ۱۲۷

تصویر ۱. چهاردرهمی نقره‌ای هیسپائوسین با تاریخ ۱۲۵ پ. م. محل ضرب در خاراکس.^۱



تصویر ۲. چهاردرهمی آتامبلوس اول از جنس بیلون با تاریخ ۴۶ پ. م. محل ضرب در خاراکس.^۲



تصویر ۳. چهاردرهمی برنزی مهرداد با تاریخ ۱۳۰ م. محل ضرب در فرات.^۳



تصویر ۴. سکه نقره‌ای آرتابازوس با تاریخ ۴۷ پ. م. محل ضرب در خاراکس.^۴

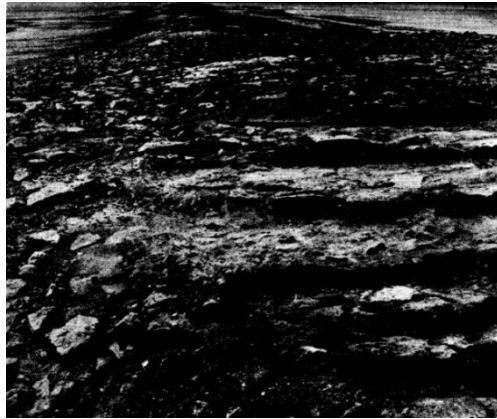


1. *Classical Numismatic Group*.

2. *Classical Numismatic Group*.

3. *A Catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, pl. XLVII.

4. *“Monnaies de Characène”*, pl. XXII.



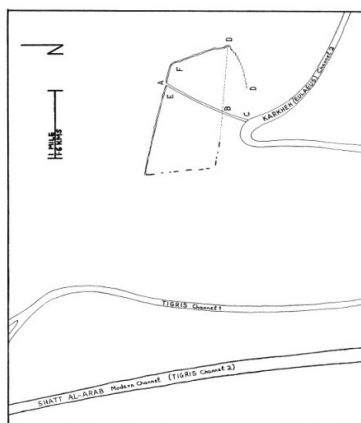
تصویر ۵. دیوار شمالی محوطه نیشان با پنج لایه آجرچینی.^۱



تصویر ۶. خارک، اثر یک مهر انگشتی با تصویر یکی از شاهان خاراسن.^۲

1. "Charax and the Karkheh", pl. VI.2.

2. "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)", fig.4.



نقشه ۱. نقشه پلانیمتری محوطه نیسان^۱



نقشه ۲. قلمرو پادشاهی خاراسن در اوج گسترش (نگارندگان).

1. "Charax and the Karkheh", fig.3.

فهرست منابع و مآخذ

- رضائی‌نیا، عباس، (۱۳۸۳)، «دستاورد پژوهش‌های الیمایی در استان خوزستان»، در: مجموعه مقالات دومین همایش ملی ایران‌شناسی، ص ۲۵۳-۲۴۱.
- سلوود، دیوید، (۱۳۹۰)، «حکومت‌های کوچک در جنوب ایران»، در: تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، قسمت ۲، احسان یارشاطر، ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۰)، *سایه‌های صحرا: ایران باستان در جنگ*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- کرافورد، هریت، (۱۳۸۷)، *سومر و سومریان*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۸)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدی فر، یعقوب، (۱۳۸۷)، *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سمت.
- محمدی ملایری، محمد، (۱۳۷۵)، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۲، تهران: توس.

منابع لاتین:

- Adams, Robert McC., (1981), *Heartland of Cities, Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Alizadeh, A., "Elymaean occupation of Lower Khuzestan during the Seleucid and Parthian periods: a proposal", *Iranica Antiqua*, 20, 1985, p. 175-195.
- Barry, Phillips, "Antiochus IV Epiphanes", *Journal of Biblical Literature*, 29, 2, 1910, p. 126-138.
- Bellinger, A. R., "Hyspaosines of Charax", *Yale Classical Studies*, 8, 1942, pp. 53-67.
- Bernard, Paul, "Vicissitudes au gré de l'histoire d'une statue en bronze d'Héraclès entre Séleucie du Tigre et la Mésène", *Journal des savants*, 3-4, 1990, pp. 3-68.
- Boucharlat, Rémy, "Suse, marché agricole ou relais du grand commerce. Suse et la Susiane à l'époque des grands empires", *Paléorient*, 11, 2, 1985, pp. 71-81.
- Chaumont, M. L., "Etudes d'histoire Parthe V. La route royale des Parthes de Zeugma à Séleucie du Tigre d'après l'Itinéraire d'Isidore de Charax", *Syria*, 61, 1-2, 1984, pp. 63-107.
- Colledge, Malcom A. R., (1977), *Parthian Art*, New York: Ithaca.
- Coursey, Cheryl Lee, (1997), "Shaping, Stewing, Serving and Brewing: Uruk Period Pottery Production and Consumption in Alluvial Mesopotamia", Advised by Susan Pollock, PhD Dissertation, Anthropology Department, State University of New York.
- Dąbrowa, Edward, (2010), "The Parthian Kingship, in Concepts of Kingship in Antiquity", in: Proceedings of the European Science Foundation Exploratory Workshop held in Padova, Giovanni B. Lanfranchi & Robert Rollinger, Padova: S.A.R.G.O.N. Editrice e Libreria.
- Dobbins, Edward, "Countermarked Characene tetradrachms of Attambelos IV", *AJN*, 7/8, 1995/96, pp. 83-112, p.13-14.
- Gawlikowski, M., "Palmyra as a Trading Centre", *Iraq*, 56, 1994, pp. 27-33.
- Gera, Dov and Wayne Horowitz, "Antiochus IV in Life and Death: Evidence from the Babylonian Astronomical Diaries", *Journal of the American Oriental Society*, 117, 2, 1997, pp. 240-252.
- Ghirshman, Roman, "L'île de Kharg dans le Golfe Persique", *Comptes-rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 3, 1958, pp. 261-269.

- Grainger, John D., "Prices in Hellenistic Babylonia", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 42, 3, 1999, pp. 303-325.
- Gregoratti, Leonardo, (2010), "The Palmyrenes and the Arsacid Policy", in: *Voprosy Epigrafiki: Sbornik statei (Problems of Epigraphy: Collected Articles)*, A.G. Avdeev, pp. 21-37.
- ____, "A Parthian port on the Persian Gulf: Characene and its trade", *Anabasis*, 2, 2011, pp. 209-229.
- Haerinck, E., "International contacts in the southern Persian gulf in the 1st century B.C./ 1st century A.D.: Numismatic evidence from Ed-Dur (Emirate of Umm Al-Qaiwain, U.A.E)", *Iranica Antiqua*, 32, 1998, pp. 273-302.
- Hansman, John, "Charax and the Karkheh", *Iranica Antiqua*, 7, 1967, pp. 21-58.
- ____, "The Land of Meshan", *Iran*, 22, 1984, pp. 161-166.
- ____, (1991), "Characene and Charax", *Encyclopaedia Iranica*, V, New York: Bibliotheca Persica Press, pp. 363-65.
- Hill, George Francis, (1922a), *A Catalogue of the Greek coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, New York: British Museum Dept of Coins and Medals.
- ____, "Attambelos I of Characene", *Numismatic Notes and Monographs*, 14, 1922b.
- Hill, John E., (2009), *Through the Jade Gate to Rome: A Study of the Silk Routes during the Later Han Dynasty, 1st to 2nd Centuries CE.*, Charleston, South Carolina: BookSurge.
- Hirth, Friedrich, (1885), *China and the Roman Orient: Researches into their Ancient and Medieval Relations as represented in Old Chinese Records*, Shanghai and Hong Kong.
- Hornblower, Simon, (2008), "Sources and their uses", in: *The Cambridge Ancient History*, Vol. VI, Edited by D. M. Lewis, John Boardman, Simon Hornblower and M. Ostwald, Cambridge University Press.
- Huff, Dietrich, "Firuzabad, *Qal'a-ye Dukhtar*", *Iran*, 16, 1978, pp. 191-192.
- Isodore of Charax, *Parthian Stations*, The Greek text with a translation and commentary by Wilfred H. Schoff, (1914), Philadelphia: Commercial Museum.
- Keall, E. J., "How many Kings did the Parthian King of Kings rule?", *Iranica Antiqua*, 29, 1994, pp. 253-272.
- Le Rider, Georges, "Monnaies de Characène", *Syria*, 36, 3-4, 1959a, pp. 229-253.
- ____, "Monnaies grecques acquises par le Cabinet des Médailles en 1959", *Revue numismatique*, 2, 6, 1959b, pp. 7-35.
- Leslie, D. D. and K. H. J. Gardiner, "Chinese Knowledge of Western Asia during the Han", *T'oung Pao*, 68, 2, 1982, pp. 254-308.
- Matthews, J. F., "The Tax Law of Palmyra: Evidence for Economic History in a City of the Roman East", *The Journal of Roman Studies*, 74, 1984, pp. 157-180.
- Newell, Edward T., "Mithradates of Parthia and Hyspaosines of Characene: A Numismatic Palimpsest", *Numismatic Notes and Monographs*, 26, 1925.
- Nodelman, Sheldon A., "A Preliminary History of Charakene", *Berytus*, 13, 1959/60, pp. 83-121.
- Nützel, Werner, "On the Geographical Position of as Yet Unexplored Early Mesopotamian Cultures: Contribution to the Theoretical Archaeology", *Journal of the American Oriental Society*, 99, 2, 1979, pp. 288-296.
- Olbrycht, Marek J., "Parthian King's Tiara: Numismatic Evidence and Some Aspects of Arsacid Political Ideology", *Notae numismaticae*, 2, 1997, pp. 27-65.
- Potts, D. T., (1988), "Arabia and the Kingdom of Characene", In: *Araby the Blest: Studies in Arabian Archaeology*, Daniel. T. Potts, University of Copenhagen: Museum Tusulanum Press, pp. 137-167.
- ____, (2001), "Before the Emirates: an Archaeological and Historical account of Developments in the Region c. 5000 BC to 676 AD.", in: *United Arab Emirates: A New Perspective*, I. Al Abed and P. Hellyer, London: Trident Press, pp. 28-69.

- ____, "Five episodes in the history of Elymais, 145-124 B.C.: New data from the astronomical diaries", *Cahiers de Studia Iranica*, 25, 2002, pp. 349-362.
- ____, (2004), *The Archaeology of Elam*, Publisher: Cambridge University Press.
- Richmond, I. A., "Palmyra under the Aegis of Rome", *The Journal of Roman Studies*, 53, 1 & 2, 1963, pp. 43-54.
- Rostovtzeff, M. I., (1936), "The Sarmatae and Parthians", in: *The Cambridge Ancient History*, S. A. Cook et al., 5, 11, Cambridge University Press, pp. 91-128.
- Schlumberger, Daniel, "Palmyre et la Mésène", *Syria*, 38, 3-4, 1961, pp. 256-260.
- Schwartz, Jacques, "L'Empire Romain, l'Égypte et le commerce oriental", *Annales, économies, Sociétés, Civilisations*, 15e année, 1, 1960, pp. 18-44.
- Seyrig, Henri, "Palmyra and the East", *The Journal of Roman Studies*, 40, 1 & 2, 1950, pp. 1-7.
- Thorley, J., "The Silk Trade between China and the Roman Empire at Its Height circa A. D. 90-130", *Greece & Rome*, 18, 2, 1971, pp. 71-80.
- Tomber, Roberta, "Rome and Mesopotamia importers into India in the first millennium AD.", *Antiquity*, 81, 314, 2007, pp. 972-988.
- Wroth, Warwick William, (1903), *Catalogue of the Coins of Parthia*, London: Longmans, Green & Co.
- Yoffee, Norman, "Political Economy in Early Mesopotamian Sites", *Annual Review of Anthropology*, 24, 1995, pp. 281-311.